

یادمان رابرت کینگ مرتن^۱

۱۹۱۰-۲۰۰۳

محمد عبداللهی

مرتن در سال ۱۹۱۰ در آمریکا متولد شد. پس از گرفتن دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه هاروارد دعوت به کار دانشگاه کلمبیا را پذیرفت. او در زمینهٔ بینش‌ها، روش‌ها و حوزه‌های جامعه‌شناسی، به‌ویژه جامعه‌شناسی علم و مسائل و انحرافات اجتماعی، صاحب آثار عدیده‌ای است. مرتن بیشتر به جامعه‌شناسی نظم، دیدگاه کارکردگرایی ساختاری و روش تحلیل کارکردی علاقه‌مند بوده است. او با بازنگری اصول و قواعد فونکسیونالیسم کلاسیک سعی در تلفیق مبانی نظری و تجربی در قالب نظریه حد متوسط، معرفی نمونه‌هایی از این نوع نظریه در نزد کسانی چون دورکیم و وبر، تلاش در ارائهٔ نظریه‌های حد متوسط در حوزهٔ جامعه‌شناسی علم و انحرافات اجتماعی و پیوند جامعه‌شناسی با مسائل روز، نقش عمده‌ای در توسعهٔ جامعه‌شناسی ایفا کرده است. مرتن پس از سال‌ها پژوهش، آموزش و مدیریت در حوزهٔ جامعه‌شناسی و دریافت دکترای افتخاری از ۲۰ دانشگاه و مرکز علمی معتبر در جهان در سال ۲۰۰۳ در ۹۳ سالگی درگذشت.

خاستگاه اجتماعی و شرح حال

خاستگاه اجتماعی و شرح حال مرتن زمینه‌ساز شکل‌گیری بینش و روش جامعه‌شناختی و گرایش او به حوزه‌های تخصصی جامعه‌شناسی، به‌ویژه جامعه‌شناسی مسائل و آسیب‌های

۱. این مقاله به مناسبت درگذشت رابرت کینگ مرتن (Robert King Merton) در سال جاری مسیحی تهیه و منتشر شده است.

اجتماعی و جامعه‌شناسی علم بوده است. او در سال ۱۹۱۰ در خانواده‌ای معمولی ساکن حومه فقیرنشین فیلادلفیای پنسیلوانیا دیده به جهان گشود. پدرش از مهاجران اروپای شرقی به آمریکا بود که در ابتدا درودگری و پس از آن رانندگی را پیشه کرد. مرتن دوره کودکی‌اش را که مقارن با جنگ جهانی اول بود، به مقتضای شرایط خاص محیط زندگی‌اش با همسالان بزهکار و آشوبگر گذراند و در ۱۲ سالگی برای کسب درآمد به شعبه‌بازی و پس آن روزنامه‌نگاری روی آورد. هیچ‌یک از این مسائل نتوانست مرتن را از ادامه تحصیل بازدارد. او فردی باهوش، فعال و بسیار علاقه‌مند به مطالعه و کسب دانش بود. به طوری که نه فقط مقاطع تحصیلی پیش از دانشگاه را تا ۱۷ سالگی یعنی در سال ۱۹۲۷ با موفقیت طی کرد، بلکه به عنوان فارغ‌التحصیل ممتاز از بورس تحصیلی دانشگاه تمپل بهره‌مند شد (کراترز، ۱۹۸۷: ۲۳).

ورود مرتن به دانشگاه هم‌زمان با شروع رکود اقتصادی بسیار شدید آمریکا بود. مرتن تحصیلات خود را در دانشگاه تمپل همانند مقاطع تحصیلی قبلی خود با موفقیت گذراند، به طوری که در سال ۱۹۳۱ به عنوان فارغ‌التحصیل ممتاز به دریافت بورس دانشگاه هاروارد نایل آمد. در هاروارد مرتن فرصت یافت تا با صاحب‌نظرانی چون سوروکین، سارتن، هندرسن و پارسنز آشنا شود و در تعامل مستمر با آنان مبانی نظری دانش علمی خود را تقویت نماید. او در طول تحصیلاتش زندگی ساده و دانشجویی خود را با اندک کمک هزینه تحصیلی می‌گذراند و هم اصلی خویش را صرف فراگیری دانش و مهارت‌های آموزش و پژوهش جامعه‌شناسی می‌نمود. مرتن پس از گذراندن دروس و آزمون‌های مربوط، کار تدوین رساله دکتری خود را با عنوان علم، فناوری و جامعه در انگلستان سده هفدهم^۱ آغاز نمود. در این زمان بود که با پیشنهاد سوروکین به عنوان مربی در دانشگاه هاروارد به تدریس و تحقیق مشغول شد. این امر به او امکان داد تا با سوزان کارهارت دوست دوره تحصیلی‌اش در دانشگاه تمپل ازدواج کند. مرتن در سال ۱۹۳۵ پس از دفاع از رساله و اخذ دکترایش همچنان به امر آموزش و پژوهش در دانشگاه هاروارد ادامه داد، تا این‌که در سال ۱۹۴۱ به دانشگاه تولین نیواورلئان رفت و مدیریت گروه جامعه‌شناسی آن‌جا را بر عهده گرفت. یک سال بعد دعوت به کار لازارسفلد، مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کلمبیا، را پذیرفت و همکاری خود را با این جامعه‌شناس نوابات‌گرای^۲ طرفدار تحقیقات تجربی و کاربردی آغاز نمود و پس از بازنشسته شدن لازارسفلد جانشین او شد. همکاری مرتن و لازارسفلد از لحاظ تعاطی اندیشه و تبادل تجارب برای طرفین بسیار آموزنده بود (کراترز، ۱۹۸۷: ۲۶). آموخته‌های نظری مرتن در دانشگاه هاروارد، به‌ویژه در تعامل

1. Science, Technology and Society In 17th Century England

2. neo-positivist

با پارسنز و تجارب عملی او در دانشگاه کلمبیا پس از همکاری با لازارسفلد، او را برای نقد دوگانه‌بینی نظری و تجربی در عرصه جامعه‌شناسی و ضرورت تلفیق ابعاد نظری و تجربی در فرایند پژوهش و نظریه‌سازی و تأکید بر نظریه حد متوسط^۱ آماده نمود. این دوره از زندگی مرتن که در واقع دوره فعالیت‌های علمی او در دانشگاه کلمبیا به‌شمار می‌رفت مصادف با جنگ جهانی دوم بود.

بدین‌سان، می‌توان گفت که توانایی‌های فردی مرتن در سطح خرد به‌عنوان شخصی باهوش، جدی، پرتلاش، خوش‌خو، و خوش‌مشرب (کوزورت، ۱۹۷۶: ۱۶۱)، وضعیت خانوادگی، ویژگی‌های محیط خاص زندگی او در اوآن کودکی و تحصیلات و آموخته‌های نظری و تجارب عملی او در محیط‌های آکادمیک در سطح میانی، حوادث بزرگی چون جنگ جهانی اول، بحران اقتصادی آمریکا و جنگ جهانی دوم، گسترش صنعت و شهرنشینی و پیامدهای همه این‌ها در سطوح خرد، میانی و کلان، که تقریباً مقارن با دوران کودکی، نوجوانی و بلوغ مرتن اتفاق افتادند، از اصلی‌ترین شرایط و عواملی بوده‌اند که حیات علمی مرتن را به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران بزرگ جامعه‌شناسی معاصر شکل دادند. علاوه بر این‌ها، پیشرفت‌های علمی و فنی آمریکا و نقش تعیین‌کننده‌ای که این کشور در پایان بخشیدن به جنگ جهانی دوم ایفا نمود، آمریکا را در عرصه جهانی از لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی در موقعیتی برتر قرار داد. این امر در بین مردم نوعی احساس خودمحموری به‌وجود آورد که نخبگان آمریکایی تحت تأثیر آن سعی نمودند به جای دنباله‌روی از اروپا خود را در همه زمینه‌ها سرمشق جهانیان قرار دهند. چنین پدیده‌ای بر اذهان جامعه‌شناسان آمریکایی، از جمله پارسنز و شاگردش مرتن، بی‌تأثیر نبوده است، به‌طوری که دوره حیات علمی و فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی این دو صاحب‌نظر علی‌رغم فشارهای محافظه‌کارانه موسوم به عصر تاریک مک‌کارتی^۲ (سوینگود، ۱۹۹۱) مقارن با دوره نهادینه شدن و توسعه جامعه‌شناسی نظری و کاربردی در آمریکا بوده است (کوزورت، ۱۹۹۷: ۱۶۲؛ کراتز، ۱۹۸۷: ۳۳). مرتن در رشته جامعه‌شناسی نه فقط از نظر علمی و آموزشی و پژوهشی بلکه از لحاظ اجرایی هم به‌عنوان مدیر بخش جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تولین و کلمبیا، رئیس انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، رئیس انجمن تحقیقات اجتماعی، رئیس مؤسسه مطالعات علوم و ارائه مشاورت‌های علمی به مدیران و مسئولان امور در مورد مسائل آمریکا و پیوند جامعه‌شناسی با مسائل روز خدمات ارزنده‌ای انجام داده است، به‌طوری که بیش از ۲۰ دانشگاه و مؤسسه علمی معتبر به او دکترای افتخاری اعطا نموده‌اند.

1. middle range theory

2. darkness of the McCarthy era

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی اهم آثار مرتن بر حسب عمده‌ترین حوزه‌های فعالیت او در طول حیات علمی اش (۱۹۳۴ تا ۲۰۰۳)*

حوزه فعالیت	طول حیات علمی						
	۱۹۳۴-۴۰	۱۹۴۰-۵۰	۱۹۵۰-۶۰	۱۹۶۰-۷۰	۱۹۷۰-۸۰	۱۹۸۰-۲۰۰۳	جمع
۱. بینش‌ها و روش‌ها ۱-۱. ساختار-کارکرد ۲-۱. تحلیل‌های ساختاری و کارکردی ۳-۱. پایگاه و نقش	۲ ٪۱۰/۵	۵ ٪۲۶/۵	۲ ٪۱۰/۵	۴ ٪۲۱	۲ ٪۱۰/۵	۴ ٪۲۱	۱۹ ٪۳۰/۱۰۰
۲. جامعه‌شناسی معرفت و علم	۲ ٪۸/۵	۵ ٪۲۲	۳ ٪۱۳	۶ ٪۲۶	۳ ٪۱۳	۲ ٪۱۷/۵	۲۳ ٪۳۶/۱۰۰
۳. جامعه‌شناسی مسائل و انحرافات اجتماعی	۲ ٪۱۵	۳ ٪۲۵	۲ ٪۱۵	۲ ٪۱۵	۲ ٪۱۵	۲ ٪۱۵	۱۳ ٪۲۲/۱۰۰
۴. سایر حوزه‌های جامعه‌شناسی: ۱-۴. جامعه‌شناسی شهر ۲-۴. جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی ۳-۴. جامعه‌شناسی پزشکی ۴-۴. جامعه‌شناسی سازمان‌ها ۵-۴. جامعه‌شناسی اقلیت‌های قومی	۱ ٪۱۲/۵	۲ ٪۲۵	۲ ٪۲۵	۲ ٪۲۲	۱ ٪۱۲/۵	۱ ٪۱۲/۵	۸ ٪۱۲/۱۰۰
جمع	۷ ٪۱۱	۱۵ ٪۲۴	۹ ٪۱۲	۱۳ ٪۲۱	۸ ٪۱۳	۱۱ ٪۱۷	۶۳ ٪۱۰۰

* این جدول براساس منتخبی از آثار اصلی مرتن (۶۳ اثر) توسط نگارنده تهیه شده است.

منابع فکری و آثار

مرتن در فرایند کسب دانش و رشد افکار و نظریه‌های جامعه‌شناختی خود تحت تأثیر افکار و نظریه‌های طیف وسیعی از دیدگاه‌ها و صاحب‌نظران کلاسیک و معاصر از جمله امیل دورکیم، کارل منهایم، ماکس وبر، کارل مارکس، پیتریم سوروکین، جورج سارتن، تالکت پارسنز، پل لازارسفلد و... قرار گرفته که با توجه به دامنه وسیع مطالعات و کثرت آثار مرتن تعیین زمینه و میزان تأثیرپذیری او از هر صاحب‌نظر بسیار مشکل است. ولی می‌توان با طبقه‌بندی آثار او و منابع عمده مورد استفاده‌اش در تدوین آن‌ها این امر را تا حدی روشن نمود.

آثار مرتن را بالغ بر ۱۲ کتاب تألیفی، ۱۱ کتاب ویراسته، ۱۲۵ مقاله و ۱۲۰ نقد کتاب ذکر کرده‌اند (کراترز، ۱۹۸۷: ۲۷). توزیع فراوانی اهم این آثار به شرح مذکور در فهرست منابع پایان این مقاله را می‌توان بر حسب عمده‌ترین حوزه‌های فعالیت او در طول حیات علمی‌اش (از سال ۱۹۳۴ که رساله دکترایش را تدوین نمود تا سال ۲۰۰۳ که دیده از جهان فرو بست) در جدول شماره ۱ ارائه نمود.

براساس اطلاعات جدول فوق می‌توان گفت که اصلی‌ترین حوزه‌های فعالیت مرتن به ترتیب تعداد آثاری که در آن زمینه‌ها چاپ و منتشر کرده است جامعه‌شناسی معرفت و علم، بینش و روش، جامعه‌شناسی مسائل و انحرافات اجتماعی بوده‌اند. سایر حوزه‌های جامعه‌شناسی، از جمله جامعه‌شناسی شهر، وسایل ارتباط جمعی، پزشکی، سازمان و اقلیت‌های قومی، در درجه چهارم اهمیت قرار گرفته‌اند. مرتن ۳۷ درصد کل آثار اصلی خود را به جامعه‌شناسی معرفت و علم، ۲۳ درصد به بینش‌ها و روش‌ها، ۲۱ درصد به جامعه‌شناسی مسائل و انحرافات و ۱۲ درصد بقیه را به سایر حوزه‌های جامعه‌شناختی اختصاص داده است. جامعه‌شناسی معرفت و علم در سراسر طول حیات علمی مرتن از ۱۹۳۰ تا ۲۰۰۳ بیشترین توجه او را به خود جلب کرده است. بینش‌ها و روش‌ها در دهه‌های ۱۹۳۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۸۰، جامعه‌شناسی مسائل و انحرافات اجتماعی در دهه ۱۹۳۰ و حوزه‌های دیگر، مانند جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی پزشکی و... در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ یعنی همزمان با جنگ جهانی دوم و پیامدهایش بیشتر مورد توجه مرتن قرار گرفته‌اند.

مرتن در اولین دهه فعالیت‌های خود، که بیشتر در دانشگاه هاروارد صورت گرفته است، ۱۱ درصد کل آثار عمده خود را منتشر نموده است. در این دوره او تقریباً به یک اندازه به بینش‌ها و روش‌ها، جامعه‌شناسی معرفت و علم و جامعه‌شناسی مسائل و انحرافات اجتماعی توجه داشته و حدود ۳۰ درصد از آثار چاپ شده خود را به هر یک از این سه حوزه اختصاص داده است.

دومین دهه فعالیت مرتن، که در واقع اولین دهه فعالیت علمی او در دانشگاه کلمبیا در ۳۰ تا ۴۰ سالگی به‌شمار می‌رود، از لحاظ تعداد آثار منتشره معرف اوج فعالیت‌های علمی او بوده است. مرتن در این دهه حدود یک‌چهارم کل آثار اصلی خود را چاپ و منتشر کرده است. در همین سال‌ها بود که مرتن فرصت یافت تا آموخته‌های نظری دوره تحصیل خود را در دانشگاه هاروارد با تحقیقات تجربی مورد توجه در موسسه پژوهش‌های کاربردی دانشگاه کلمبیا در ارتباط با مسائل روز و پیامدهای جنگ جهانی دوم در راستای تولید، آموزش و ترویج دانش اجتماعی به کار گیرد. ۶۶ درصد از آثار منتشره او در این دوره به بینش‌ها و روش‌ها و جامعه‌شناسی معرفت و علم، ۲۰ درصد به جامعه‌شناسی مسائل و انحرافات اجتماعی و ۱۳ درصد به سایر حوزه‌ها اختصاص دارد. در دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ که مرتن در مجموع حدود نیمی از کل آثار خود را منتشر کرده است بیشترین هم‌خویش را صرف توسعه جامعه‌شناسی معرفت و علم نموده و درصد بیشتری از آثارش را به همین حوزه تخصیص داده است. علاقه مرتن به نهادمند سازی و توسعه جامعه‌شناسی و پیوند آن با سایر معارف و نهادهای اجتماعی و به‌کارگیری یافته‌های جامعه‌شناختی در فرایند برنامه‌ریزی‌های علمی لازم برای مقابله صحیح و به‌موقع با مسائل و آسیب‌های اجتماعی در تقویت گرایش او به جامعه‌شناسی معرفت و علم مؤثر بوده است.

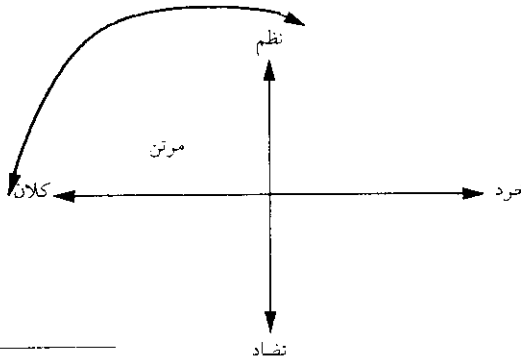
در دهه ۱۹۸۰، مرتن از لحاظ حوزه‌های مورد توجه در فعالیت‌های علمی به اولین سال‌های فعالیت علمی خود بازگشت. به طوری که علاوه بر جامعه‌شناسی معرفت و علم دوباره به بینش‌ها و روش‌ها و جامعه‌شناسی مسائل و انحرافات اجتماعی هم توجه نمود. این امر تقریباً تا پایان عمرش ادامه یافت.

مرتن در گرایش به حوزه‌های جامعه‌شناختی علاوه بر تجارب زندگی روزمره، ویژگی‌های شخصی، خانوادگی و شرایط و خاستگاه اجتماعی زمان خود، تحت تأثیر دیدگاه‌ها و صاحب‌نظران گذشته و هم‌زمان خود قرار گرفته است. او در حوزه جامعه‌شناسی معرفت و علم از منهایم، وبر و سارتن، در زمینه بینش‌ها و روش‌ها از مارکس، دورکیم و و لازارسفلد تأثیر پذیرفته و در حوزه جامعه‌شناسی مسائل و انحرافات اجتماعی بیشتر از همه تحت تأثیر دورکیم بوده است (ریترز، ۱۹۹۲: ۲۵۶). حوزه‌های چندگانه مورد علاقه مرتن در همه فعالیت‌های علمی او اعم از زمینه‌های پژوهشی، عناوین آثار و نظریه‌ها و حتی عناوین دروس مورد علاقه‌اش در تدریس نمود بارز و تبلور عینی و عملی خاصی پیدا کرده‌اند. او در معرفی و توسعه این حوزه‌ها نقش مؤثری ایفا کرده است (کراترز، ۱۹۸۷: ۲-۳۱).

بینش و روش

مرتن از لحاظ بینش جامعه‌شناختی و دیدگاه نظری به جامعه‌شناسی نظم و کارکردگرایی^۱ نزدیک‌تر است (مرتن، ۱۹۶۸: ۱۰۴). او با این بینش و از لحاظ هستی‌شناسی جامعه را نظامی در نظر می‌گیرد که مشتمل بر مجموعه‌ای از عناصر ساختاری چون فرهنگ و ساختارهای اجتماعی است که در تعامل و هماهنگی با یکدیگر و با محیط و با ایفای کارکردهای مربوط به خود امکان تطابق نظام اجتماعی و سازگاری افراد را با محیط خویش فراهم می‌سازند. در چنین دیدگاهی، الگوی رفتاری افراد، از جمله شیوه سازگاری یا تطابق آنان با محیط، تابعی از شرایط و فرصت‌هایی است که جامعه برای آنان فراهم می‌کند. در این دیدگاه، علاوه بر متغیر وابسته متغیرهای مستقل هم‌خصلتی جمعی و ساختاری دارند و ویژگی‌های فردی اعم از زیستی-روانی یا ذهنی-شخصیتی آن‌طوری که باید مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در دیدگاه مرتن ساخت به رابطه پایدار بین دو یا چند عنصر اجتماعی نظیر موقعیت یا پایگاه اجتماعی، و کارکرد به نتیجه عینی چنین ساختاری اطلاق می‌شود (مرتن، ۱۹۷۶: ۲۴۰).

بنابراین، او جامعه‌شناختی را رشته‌ای علمی و متمایز از شعور متعارف شبیه سایر رشته‌های علمی می‌داند. موضوع جامعه‌شناسی مرتن واقعیت‌ها و پدیده‌های جمعی و عینی نظیر ساختارها و کارکردهای اجتماعی و الگوهای رفتار جمعی و هدف، توصیف واقعیت‌ها و پدیده‌های جمعی و تحلیل کارکردی یا علت‌کاوانه آن‌هاست (کراثوز، ۱۹۸۷: ۶۴). مرتن در اتخاذ بینش و روش جامعه‌شناختی مورد علاقه خود به بینش‌ها و روش‌های جامعه‌شناختی بنیانگذاران و صاحب‌نظران رشته علوم اجتماعی از جمله مارکس، اسپنسر، دورکیم، منهایم، براون، مالینوفسکی، بلاو، پارسنز و... توجه نموده است (کاوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۵۰۲؛ والاس، ۱۹۸۰). با این‌که او اصولاً جامعه‌شناسی نظم و دیدگاه کارکردگرایی ساختاری را پذیرفته، ولی سعی کرده است با بازنگری و بازسازی مبانی بینشی و روش‌شناسی این



1. functionalism

دیدگاه ضمن نزدیک‌تر ساختن آن به سایر دیدگاه‌ها دروازه آن را به روی برخی از عناصر جامعه‌شناسی تضاد و تغییرات و دیدگاه‌های خرد نیز بگشاید.

هرچند او در این وادی تا آن حد پیش نرفته است که در عرصه جامعه‌شناسی بتواند خود را از تقلیل‌گرایی^۱ برهاند و تلفیق‌گرایی را پیشه کند، ولی تلاش‌های او در زمینه‌های نقد اصول و قواعد کارکردگرایی کلاسیک مورد توجه کسانی چون اسپنسر، براون و مالدینوفسکی، طرح انواع کارکردها، پذیرش تضاد و تغییر در حیات اجتماعی، ارائه الگوی لازم برای تحلیل کارکردی^۲ پدیده‌های اجتماعی (مرتن، ۱۹۶۸: ۶۶)، و سعی در تلفیق مبانی نظری و تجربی در قالب نظریه‌های حد متوسط^۳، معرفی نمونه‌هایی از این نوع نظریه در نزد صاحب‌نظران جامعه‌شناسی کلاسیک نظیر دورکیم و وبر، تشریح ویژگی‌ها و به‌کارگیری اصول و قواعد دستیابی به آن در حوزه‌های جامعه‌شناسی علم و جامعه‌شناسی مسائل و انحرافات اجتماعی قابل تقدیر است.

۱-۱. اصل وحدت کارکردی^۴. در دیدگاه کارکردگرایی کلاسیک، همه عناصر ساختاری موجود در جامعه اعم از فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نظیر دین، خانواده، و بنگاه‌های اقتصادی همانند اعضای یک اندام‌واره (ارگانیزم) کارکردی‌اند و برای هر یک از آن‌ها کارکردی واحد در نظر گرفته می‌شود که هماهنگ با سایر عناصر ساختاری در جهت نظم و تعادل کل جامعه عمل می‌کند. این امر مبتنی بر پذیرش وجود انسجام در سطح کل نظام اجتماعی موجود در هر جامعه است. مرتن معتقد است که هر چند ممکن است این امر در جوامع کوچک، ساده و متجانس تا حدی مصداق داشته باشد، ولی در جوامع توسعه یافته امروزی، که تقسیم کار و تفکیک امور در قالب خرده‌نظام‌های عدیده‌ای گسترش و تعمیق یافته است، دیگر نمی‌توان با مفروض پنداشتن انسجام نظام اجتماعی انتظار داشت که یک عنصر ساختاری معین مثل فلان حزب سیاسی برای کل جامعه کارکردی باشد. از طرفی، کارکردهای هر عنصر ساختاری را نمی‌توان فقط به یکی از کارکردهای آشکار^۵ و قابل انتظار آن محدود نمود و از کارکردهای پنهان^۶ و غیرقابل انتظار آن غافل شد. یک عنصر ساختاری مشخص مثل دانشگاه می‌تواند کارکردهای آشکار (تولید اندیشه و تربیت نیرو) و پنهان (حمایت از تظاهرات و جنبش‌های آزادی‌بخش و...) داشته باشد، همچنین چند عنصر ساختاری متفاوت مثل دین و نهادهای نوین ممکن است کارکرد مشابهی در جهت تقویت اخلاق و تعهد جمعی عام ایفا نمایند. بنابراین امروز وحدت کارکردی دیگر یک امر عام نیست، بلکه باید به کارکردهای آشکار و پنهان متفاوت و خاص هر عنصر و کارکرد مشابه عناصر ساختاری متفاوت توجه نمود.

1. reductionism

2. functional analysis

3. middle range theory

4. functional unity

5. manifest function

6. latent function

۱-۲. اصل عمومیت کارکردی^۱. در کارکردگرایی کلاسیک، علاوه بر اصل وحدت کارکردی اصل عمومیت کارکردی یعنی مثبت بودن کارکرد هر یک از عناصر ساختاری هر نظام برای خود آن عنصر و حفظ هماهنگی و تعادل کل نظام هم پذیرفته می‌شود. مرتن با طرح کارکرد مثبت^۲ و کارکرد منفی^۳ این اصل را هم مورد پرسش قرار داده است. به نظر او در جوامع امروزی هر یک از عناصر ساختاری مثل دانشگاه ممکن است برای یک خرده نظام نظیر حوزه اقتصادی به کارکرد^۴ و برای یک خرده نظام دیگر مثل حوزه سیاسی نظام موجود دژکارکرد^۵ باشد. لذا در ارزیابی مثبت یا منفی بودن کارکرد هر عنصر ساختاری باید این پرسش را مطرح نمود که کارکرد مثبت یا منفی برای چه گروه‌ها یا خرده نظام‌هایی؟ بنابراین قضاوت صحیح راجع به مثبت یا منفی بودن کارکرد کلی هر عنصر ساختاری موقوف به ارزیابی و مقایسه کارکردهای مثبت و منفی آن عنصر ساختاری در سطح نظام اجتماعی مربوط است.

۱-۳. اصل ضرورت کارکردی^۶. در کارکردگرایی کلاسیک، با پذیرش دو اصل وحدت و عمومیت کارکردی اصل ضرورت یا غیرقابل اجتناب بودن کارکرد هر یک از عناصر ساختاری برای حفظ تعادل و بقای کل نظام نیز پذیرفته می‌شود. ولی مرتن با طرح کارکردهای آشکار و پنهان و کارکردهای مثبت و منفی و بازنگری دو اصل وحدت و عمومیت کارکردی، زمینه را برای نقد ضرورت کارکردی و طرح کارکرد جایگزین فراهم می‌سازد. به نظر او کارکرد هر یک از عناصر ساختاری ضروری نیست، بلکه با توجه به تفاوت پذیری کارکرد هر عنصر و امکان ایجاد کارکرد مشابه توسط عناصر ساختاری متفاوت می‌توان بسیاری از عناصر ساختاری را بازسازی و حتی برخی از آن‌ها را حذف نمود. بنابراین ضرورت کارکردی عملاً محدود به حداقلی از عناصر ساختاری می‌شود که کارکرد آن‌ها انسجام، بقا و تداوم حیات اجتماعی را تضمین و تسهیل می‌کنند و بدون آن‌ها انسجام، دوام و بقای نظام اجتماعی موجود به طور جدی به مخاطره می‌افتد (مرتن، ۱۹۶۸: ۱۰۵). این کارکردها ضرورتاً توسط عناصر ساختاری خاص و معینی صورت نمی‌گیرد، بلکه ممکن است از طریق تغییر عناصر ساختاری موجود یا ایجاد عناصر ساختاری نوین ایجاد گردند. بدین ترتیب مرتن بقای هر نظام اجتماعی را در گرو توان آن نظام در انجام دادن تغییرات و اصلاحات ساختاری و کارکردی لازم و روزآمد در جهت مدیریت صحیح تعارضات و ناهماهنگی‌های موجود در بین عناصر ساختاری آن نظام می‌داند.

1. functional universality

3. dysfunction

5. dysfunctional

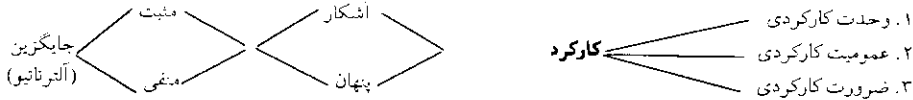
2. eufunction

4. eufunctional

6. functional indispensability

اصول سه‌گانه فونکسیونالیسم کلاسیک

اصلاحات و اصطلاحات پیشنهادی مرتن



مرتن از لحاظ روش‌شناسی در تبیین مسائل و پدیده‌های اجتماعی علی‌رغم استفاده از روش تحلیل علمی بیشتر به تحلیل کارکردی علاقه‌مند بوده است. او تحلیل کارکردی را روشی نویدبخش می‌دانست که می‌بایستی از قید و بند مفروضات و مفاهیم رها می‌شد (کوف و شاروک، ۱۹۹۵: ۵۱). به همین دلیل مرتن برای نظام‌مند کردن تحلیل کارکردی قواعد ذیل را ارائه کرده است:

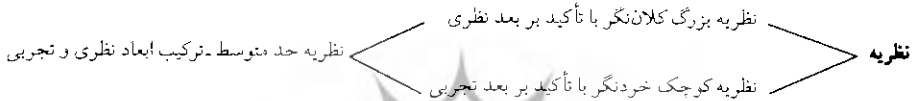
۱. تعیین، تعریف و تدقیق موضوع یا پدیده (عنصر ساختاری) مورد تحلیل. با توجه به این‌که مرتن کارکرد را پیامد عینی آشکار یا پنهان و مثبت یا منفی هر یک از عناصر ساختاری نظام اجتماعی می‌داند نه اهداف، انگیزه‌ها و نیات ذهنی افراد (کوزورت، ۱۹۷۶: ۱۶۳)، لذا در تحلیل کارکردی، واحد مشاهده یک عنصر ساختاری است ولی واحد تحلیل می‌تواند نظام اجتماعی یا جامعه یا هر چارچوبی باشد که آن عنصر ساختاری در قالب آن عمل می‌کند.
۲. تعیین و توصیف نظام یا چارچوبی که عناصر ساختاری مورد تحلیل در درون آن عمل می‌کنند.
۳. شناخت اهداف و شیوه‌های عمل جمعی (الگوی رفتاری) افراد درگیر در ساختار مورد نظر.
۴. تحلیل نتایج عینی عنصر ساختاری مورد توجه.
۵. تحلیل پیامدهای عینی عنصر ساختاری مورد نظر برای محیط‌اش (چارچوبی که آن عنصر ساختاری با آن در تعامل است).
۶. ایجاد تمایز بین پیامدهای عینی عناصر ساختاری و اهداف، انگیزه‌ها و نیات افراد درگیر در آن ساختار.
۷. ایجاد تمایز بین کارکردهای آشکار و پنهان، مثبت و منفی و جایگزین (آلترناتیو).
۸. تشریح مکانیسم‌هایی که انواع کارکردها از طریق آن‌ها تحقق می‌یابند.
۹. تبیین فرایند تغییرات ساختاری و کارکردی.
۱۰. تحلیل تعاملات عنصر ساختاری مورد توجه با سایر عناصر ساختاری درون چارچوب تحلیل.
۱۱. سنجش روایی و پایایی اندازه‌گیری‌ها.
۱۲. دوری از پیش‌داوری‌ها و کنترل دخالت عوامل سیاسی - ایدئولوژیک در فرایند تحلیل موضوع مورد توجه.

مرتن در تبیین فساد نظام سیاسی و انحرافات از تحلیل کارکردی استفاده کرده است. او بر این باور بوده است که نظام سیاسی حاکم برای کسب آرا و حفظ قدرت نیازمند برخورداری از حمایت برخی از اقشار اجتماعی محروم است. بخش قابل توجهی از اعضای این اقشار طالب کسب مشاغل و درآمدهایی هستند که از طریق قانونی و مشروع نمی‌توانند به دست آورند. بنابراین دستگاه سیاسی با حمایت از فعالیت‌هایی نامشروع مثل خرید و فروش مواد مخدر، روسپیگری، قمار و اعمال خشونت‌آمیز غیرقانونی علیه مخالفان دولت برای بسیاری از افراد متعلق به اقشار محروم جامعه مشاغل پردرآمدی فراهم می‌سازد، و در مقابل، مطامع سیاسی غیرقانونی خود را از طریق آن‌ها دنبال می‌کند. مرتن این مسئله را در قالب دیدگاه اصلی خود در ارتباط با انحرافات اجتماعی چنین تحلیل می‌کند که چون در فرهنگ آمریکا ثروتمند شدن و پیشرفت مادی یک ارزش غایی است، ولی از لحاظ اجتماعی اقشار پایین و محروم جامعه امکانات و فرصت‌های نهادمند و مشروع لازم برای تحقق این هدف را در اختیار ندارند، لذا بین کارکرد فرهنگ و کارکرد ساختارهای اجتماعی شکاف پدید می‌آید. در چنین شرایطی است که الگوهای رفتاری و شیوه‌های تطابق ناهمخوانی‌ای چون نوآوری پدید می‌آید که از طریق آن عده‌ای، به‌ویژه از اقشار پایین و محروم جامعه، برای کسب درآمد و ثروتمند شدن راه‌های نامشروع را دنبال می‌کنند. نظام سیاسی هم از این فرصت استفاده می‌کند و در جهت تحقق اهداف سیاسی خود راه‌های کسب درآمد نامشروع، نظیر قاچاق مواد مخدر، روسپیگری، قمار و غیره، را به روی آنان می‌گشاید (ابراهامسون، ۱۹۸۹: ۶-۱۶۵). بدین سان مرتن انحرافات را محصول گسست کارکردی بین فرهنگ و ساختارهای اجتماعی و کارکردهای پنهان ساختار سیاسی می‌داند که در عمل به حفظ وضع موجود کمک می‌کند. نمونه‌هایی دیگر از تحلیل‌های کارکردی را در بین کسانی چون کی‌اریکسون^۱ (انحرافات و ثبات نظام)، دیویس و مور^۲ (نظریه کارکردگرایی قشریندی) و اسملسر^۳ (رهیافتی توافقی دربارهٔ دگرگونی اجتماعی) می‌توان نام برد (کوف و شاروک، ۱۹۹۵: ۵۸: ۵۵).

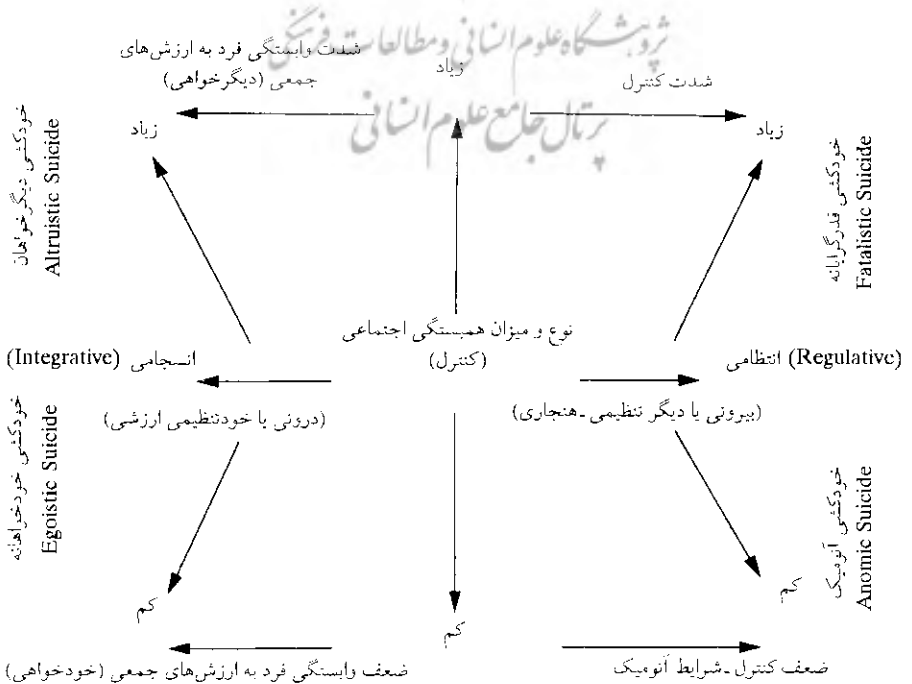
مرتن از لحاظ معرفت‌شناسی هم سعی کرده با نقد نظریه‌های بزرگ^۴ و کوچک^۵ عرصه را به روی رشد نظریه‌های حد متوسط^۶ باز نماید. او نظریه‌های بزرگ را دارای توجیهات نظری مبتنی بر اصول موضوعه‌ای می‌داند که به جای تجربه و واقعیت‌ها بر روابط منطقی بین مفاهیم به

1. Kai Erikson: "deviance and system maintenance"
2. Davis and Moore: "a functionalist theory of stratification change"
3. Smelser: "a consensus approach to social change"
4. grand theory
5. small theory
6. middle range theory

صورتی فلسفی و انتزاعی و در سطح کلان تأکید می‌ورزند (کراتز، ۱۹۸۷: ۵۲-۵۱). نظریه‌های کوچک هم برعکس نظریه‌های بزرگ، فاقد پشتوانه نظری اند، بیشتر به تعمیم‌های تجربی مبتنی بر همبستگی بین متغیرها در سطح خرد و در مقیاسی کوچک بسنده می‌کنند و از حد و مرز تجربه فراتر نمی‌روند. مرتن ترکیب مبانی نظری و تجربی را در قالب نظریه‌های حد متوسط عملی می‌داند (مرتن، ۱۹۶۸: ۶۶).



نظریه حد متوسط از نظر مرتن حد واسط بین نظریه بزرگ و نظریه‌های کوچک و برآیند ابعاد نظری و تجربی است. موضوع آن مشخص، مفاهیم آن ساده و قابل تعریف و اندازه‌گیری اند. دارای مبانی نظری و تجربی است. ضمن برخورداری از انسجام ساختاری و نظم منطقی قابل تطابق با واقعیت‌هاست. ماهیتی تبیینی دارد و از آن می‌توان فرضیه‌های مشخص و آزمون‌پذیری را استخراج نمود و بنابراین از قابلیت هدایت‌کنندگی و تعمیم برخوردار است. این نوع نظریه از طریق پژوهش به دست می‌آید و خود راهنمای فعالیت‌های پژوهشی است (مرتن،



۱۹۶۸: ۳- ۱۴۰). مرتن نظریه دورکیم را در ارتباط با خودکشی به شرح فوق نمونه‌ای از نظریه حد متوسط می‌داند (کراتز، ۱۹۸۷: ۵۳) که دارای جنبه‌های نظری و تجربی و ویژگی‌های یک نظریه حد متوسط است:

دورکیم همبستگی اجتماعی و کنترل بیرونی را لازمه بقا و تداوم حیات اجتماعی می‌داند. او معتقد است که اگر میزان این کنترل اعم از بیرونی یا درونی از حد لازم کمتر یا بیشتر شود مسئله آفرین خواهد بود. خودکشی یکی از مسائل اجتماعی است که دورکیم نوع و میزان آن را با نوع و میزان همبستگی و کنترل اجتماعی به شرح زیر مورد تحلیل قرار داده است:

خودکشی قدرگرایانه ناشی از شدت کنترل اجتماعی؛ با افزایش بیش از حد کنترل اجتماعی بیرونی یا هنجاری، به‌ویژه زمانی که افراد قادر به تحمل آن نیستند، رابطه نامتقارنی با اجتماع پیدا می‌کنند، امیدی به رهایی از آن ندارند و دچار درماندگی می‌شوند، شرایط اجتماعی لازم برای افزایش میزان خودکشی قدرگرایانه پدید می‌آید.

خودکشی آنومیک ناشی از ضعف کنترل اجتماعی؛ برعکس مورد فوق چنانچه میزان کنترل بیرونی از حد لازم کمتر شود، به طوری که نظارت اجتماعی تضعیف گردد و افراد در تشخیص اصول و قواعد عمل جمعی ناتوان و یا دچار تعارض و سردرگمی شوند زمینه اجتماعی لازم برای افزایش خودکشی آنومیک به وجود می‌آید. بحران‌های اقتصادی هم از طریق ایجاد نابسامانی‌های اجتماعی و تشدید شرایط آنومیک در افزایش میزان این نوع خودکشی مؤثر واقع می‌شود.

خودکشی دیگرخواهانه ناشی از شدت کنترل درونی (همبستگی فرد با ارزش‌های جمعی): چنانچه میزان کنترل درونی یا ارزشی از حد معمول فراتر رود به طوری که افراد چنان به جمع و ارزش‌های جمعی وابسته شوند که نتوانند هویت و منافع فردی خود را از جمع متمایز نمایند، شرایطی پدید می‌آید که تحت آن افراد در جمع تحلیل می‌روند، و حیات فردی خود را تابع حیات جمعی می‌دانند و آمادگی می‌یابند تا در راه حفظ همبستگی با ارزش‌های جمعی خود را فدا نمایند.

خودکشی خودخواهانه ناشی از ضعف کنترل درونی (ضعف همبستگی فرد با ارزش‌های جمعی): برعکس مورد فوق در برخی جوامع، به‌ویژه جوامع دارای تقسیم کار و تفکیک اجتماعی پیشرفته و نظم انسجامی مبتنی بر تفاوت‌پذیری، شرایط اجتماعی خاصی پدید می‌آید که تحت آن افراد با برخورداری از آزادی، استقلال و فردیت شدید توأم با خودخواهی، همبستگی اجتماعی خود را با جمع از دست می‌دهند و به تبع آن به دلیل ضعف اخلاق، عدم وابستگی به ارزش‌های جمعی قادر به کنترل امیال فردی خود نیستند و بیشتر به دنبال دستیابی به اهداف فردی کنترل نشده و غیرقابل تطابق با امکانات موجودند. اینان زمانی که در رسیدن به

اهداف فردی خود موفق نمی‌شوند خود را مسئول و مقصر می‌دانند، تا آن‌جا که ممکن است به دلیل عدم برخورداری از کنترل درونی و حمایت جمعی به‌تنهایی نتوانند بار مسئولیت این شکست‌ها را تحمل نمایند و از پای درآیند (دورکیم، ۱۹۵۱؛ پاپ، ۱۹۷۵: ۴۳۴-۴۱۷).

مرتن نظریه دورکیم را دارای پشتوانه نظری و توجیه عقلانی بسیار قوی می‌داند، به‌طوری‌که می‌تواند هدایت‌گر پژوهشگران در امر پژوهش در باب مسئله خودکشی باشد. این نظریه دارای بعد تجربی و عملی نیز هست، به‌طوری‌که علاوه بر امکان بهره‌گیری از آن در برنامه‌ریزی پیش‌گیری از مسئله خودکشی، محققان هم می‌توانند فرضیه‌های قابل‌استنتاج از آن را با روش تطبیقی در بین جوامع و تحت شرایط اجتماعی متفاوت از لحاظ نوع و میزان همبستگی اجتماعی مورد آزمون قرار دهند و با تعمیم نتایج به دست آمده دایره شمول این نظریه را گسترش و تعمیق بخشند. مرتن، علاوه بر نظریه دورکیم، نظریه وبر را هم در ارتباط با پیدایش سرمایه‌داری در غرب به عنوان یکی دیگر از مصادیق نظریه حد متوسط معرفی کرده است (مرتن، ۱۹۶۷؛ کراترز، ۱۹۸۷: ۵۳). علاوه بر این او سعی کرده است در کتاب **نظریه اجتماعی و ساخت اجتماعی**^۱ با تحلیل کارکردی کژروی‌ها یا انحرافات اجتماعی ضمن تشریح الگویی از تحلیل کارکردی نمونه‌ای از یک نظریه حد متوسط را نیز به دست دهد.

پژوهشگاه علمای ایرانی افکار و نظریه‌ها

مرتن جامعه را ترکیبی از عناصر ساختاری به‌ویژه فرهنگ و ساختارهای اجتماعی می‌داند که اولی تعیین‌کننده ارزش‌ها و اهداف و دومی تعیین‌کننده قواعد عمل جمعی و راه‌های نهادینه و مشروع رسیدن به اهداف است. الگوهای رفتاری یا شیوه‌های سازگاری هم‌نویانه یا ناهم‌نویانه افراد و پیامدهای آن‌ها در جامعه تابعی از نوع و میزان پیوستگی یا گسستگی و هماهنگی یا ناهماهنگی بین کارکردهای این دو عنصر ساختاری و چگونگی پاسخ افراد به شرایط حاصل از نحوه ترکیب و کارکرد این عناصر ساختاری است (مرتن، ۱۹۶۸: ۲۱۰-۱۸۶؛ والاس، ۱۹۸۰).

مرتن در قالب همین دیدگاه نظم‌گرا و کارکردگرای ساختاری است که به طرح مسائل اجتماعی می‌پردازد. او مسائل اجتماعی را پدیده‌های جمعی، واقعی، عینی و قانونمند و نسبی می‌داند که حاصل فاصله و ناهماهنگی عناصر ساختاری نظام اجتماعی‌اند. با توجه به ریشه ساختاری مسائل اجتماعی، می‌توان گفت که نوع و میزان آن‌ها تابع نوع و میزان فاصله و

1. *Social Theory and Social Structure*, Free Press, Glencoe, 1968. (Earlier edition 1949, 1957).

گسستی است که بین فرهنگ و ساختارهای اجتماعی به وجود می‌آید. این ناهماهنگی یا عدم توازن ساختاری و کارکردی ضمن تضعیف و تهدید انسجام و تعادل نظام اجتماعی زمینه فرهنگی-اجتماعی لازم را برای کژروی و شکل‌گیری شیوه‌های تطابق ناهمنویانه فراهم می‌سازد (نیس بت و مرتن، ۱۹۷۶: ۴۱-۴۰).

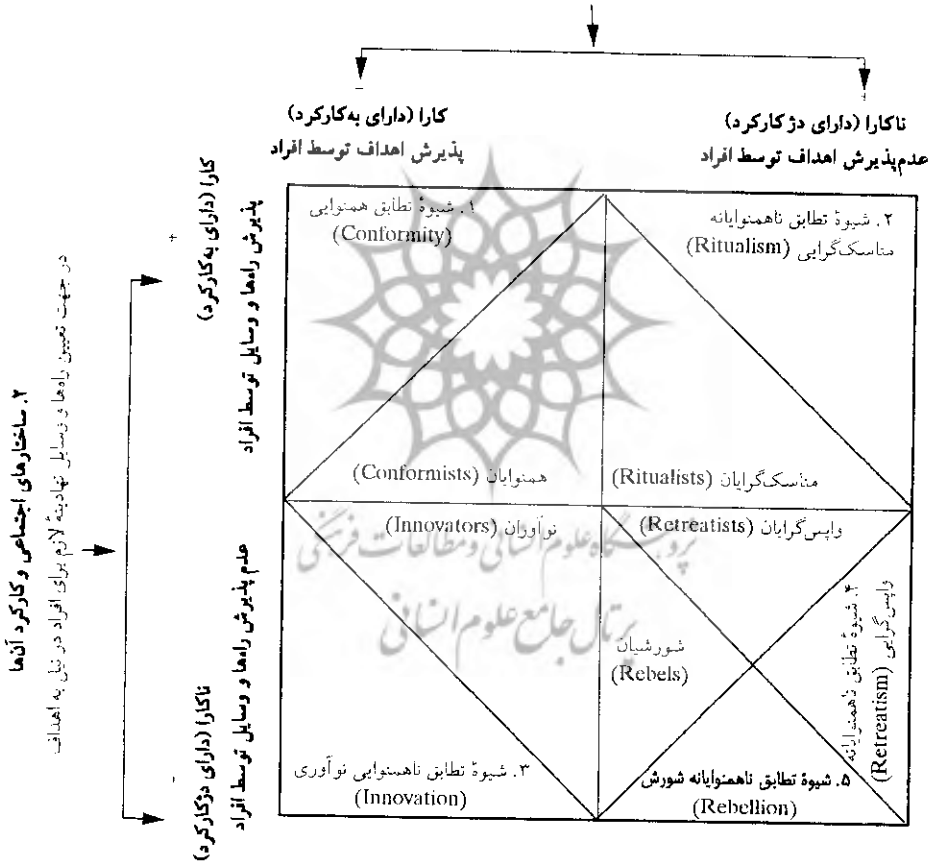
شیوه پاسخ افراد به این شرایط بیش از آن‌که تابع ویژگی‌های فردی آنان اعم از زیستی-روانی یا ذهنی-شخصیتی باشد، محدود به انواع شرایط فرهنگی-اجتماعی حاصل از ترکیب عناصر ساختاری نظام اجتماعی است. مرتن در بحث از ساختار نظام شخصیتی معتقد است که فشارهای ساختاری بر افراد داخل موقعیت‌های درونی هر ساختار توأم با نظام پاداش و تنبیهی که اعمال می‌شود افراد را به تبعیت از قواعد آن ساختار وامی‌دارد. لذا کار در یک سازمان مثلاً بوروکراتیک مستلزم شخصیتی بوروکرات یعنی انضباط و الگوی کنش عقلانی مطابق با عقلانیت استراتژیک غالب در آن سازمان است (مرتن، ۱۹۶۷: ۲۵۶-۲۴۹). بنابراین از نظر مرتن ناهمنویان و کژرفتاران افرادی عادی و مشابه با دیگران هستند که نه به خاطر ویژگی‌های فردی متفاوت بلکه به علت قرار گرفتن در شرایط ساختاری متفاوت شیوه‌های تطابق متفاوتی پیدا می‌کنند (کوزورت، ۱۹۷۶: ۱۷۱؛ کوف و شاروک، ۱۹۹۵: ۵). مرتن در مقاله‌ای با عنوان «ساخت اجتماعی و آنومی» سعی کرده با تحلیل رابطه انواع شیوه‌های تطابق افراد با انواع شرایط ساختاری موجود در جامعه ریشه‌های ساختاری مسائل و آسیب‌های اجتماعی را آشکار سازد (مرتن، ۱۹۳۸: ۶۷۲). جامعه‌شناسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی بعد از جامعه‌شناسی معرفت و علم دومین حوزه تخصصی مرتن است. گرایش او به پیوند جامعه‌شناسی با مسائل روز و استفاده عملی از آن در جهت کمک به حل مسائل اجتماعی او را به سوی این حوزه جلب کرده، به طوری که بیش از ۲۰ درصد از کل آثار منتشر شده خود را به این حوزه تخصیص داده و نظریه معروف خود را تحت عنوان شیوه‌های تطابق افراد در جامعه^۱ در همین حوزه به شرح زیر مطرح کرده است (مرتن، ۱۹۶۸: ۲۱۴-۱۸۵):

۱. شیوه تطابق همنوایی. تحقق این امر محصول همبستگی و هماهنگی فرهنگ و ساختارهای اجتماعی در انجام دادن کارکردهای مربوط به خود است، به طوری که فرهنگ، توافق بر سر ارزش‌ها یا اهداف مشترک و اجتماع، وسایل مناسب و مشروع نیل به آن‌ها را فراهم سازد. این امر زمینه مناسبی برای شکل‌گیری و تداوم شیوه تطابق همنوایی پدید می‌آورد. در چنین وضعیتی نتایج رفتار همنوایی در راستای بازتولید نظم موجود قابل پیش‌بینی خواهد بود.

1. modes of individual adaptation

تیپولوژی شیوه‌های تطابق افراد در جامعه^۱ ۱. فرهنگ

چگونگی کارکرد فرهنگ در جهت تعیین ارزش‌ها یا اهداف جمعی مشترک برای افراد جامعه



۲. شیوه تطابق ناهم‌نویانه مناسک‌گرایی. مناسک‌گرایی یکی از شیوه‌های تطابق ناهم‌نویانه است. این پدیده زمانی اتفاق می‌افتد که ساختارهای اجتماعی در کارکرد خود موفق ولی فرهنگ ناموفق است. به طوری که مناسک‌گرایان وسایل را به جای اهداف می‌گیرند و آن‌ها را عین اهداف تلقی می‌کنند. سیطره عقلانیت ابزاری و مغالطه بین هدف و وسیله، سنت‌گرایی، قانون‌گرایی و فراموش کردن اهداف آن‌ها، بوروکراسی‌های دست و پاگیر و... نمونه‌هایی از

1. modes of individual adaptation

مصادیق چنین وضعیتی به‌شمار می‌روند. این شیوه تطابق در جوامع سنتی و در بین گروه‌های سنی سالخورده بیشتر معمول است.

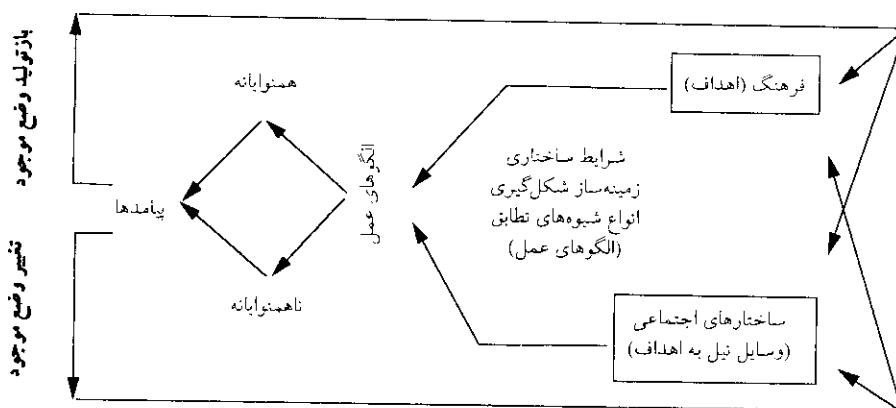
۳. شیوه تطابق ناهمنوایانه نوآوری. این شیوه تطابق، که حالت معکوس مناسک‌گرایی است، زمانی اتفاق می‌افتد که فرهنگ در کارکرد خود موفق ولی ساختارهای اجتماعی ناموفق‌اند. به‌طوری که نوآوران اهداف فرهنگی را می‌پذیرند ولی راه‌ها و وسایل نهادینه مشروع و لازم برای رسیدن به آن‌ها را در اختیار ندارند یا نمی‌پذیرند. در این جا با نوعی تأخر اجتماعی یعنی عدم هماهنگی ساختارهای اجتماعی یا الگوهای عمل جمعی با اهداف روبه‌رو می‌شویم. در چنین وضعیتی است که افراد از راه‌های دیگری اهداف خود را دنبال می‌کنند و هنجارشکنی، قانون‌گریزی، قانون‌ستیزی، عهد و پیمان‌شکنی و انواع آسیب‌های اجتماعی رواج می‌یابد. مرتن تأکید فرهنگ آمریکایی بر موفقیت مادی، از یک‌سو، و عدم هماهنگی ساختارهای اجتماعی در فراهم ساختن وسایل لازم برای نیل به چنین هدفی، به‌ویژه برای اقشار پایین و یا متوسط دارای امکانات و فرصت‌های محدود را از سوی دیگر زمینه‌ساز مسائل و آسیب‌های اجتماعی عدیده‌ای، از جمله افزایش میزان جرائم اقتصادی در حوزه اقتصاد و مسائل و آسیب‌های دیگر در سایر حوزه‌های حیات اجتماعی. می‌داند. این امر در جوامع در حال گذار به‌ویژه در بین جوانان رواج دارد (تاجداری، ۱۳۷۷). در ایران هم با توجه به عمده شدن ارزش‌های مادی یا ابزاری کسب ثروت و قدرت و کمبود فرصت‌های اجتماعی-اقتصادی نهادینه و مشروع لازم برای تحقق آن‌ها این شیوه تطابق رواج یافته و پیامدهای آن به صورت هنجارشکنی و انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله قانون‌گریزی، جرایم اقتصادی، سرقت، روسپیگری، قاچاق مواد مخدر و... روز به روز در حال افزایش است. در چنین شرایطی است که اصلاح ساختارهای اجتماعی مناسب با ارزش‌ها و اهداف نوین و هماهنگ با نیازهای روزآمد مردم به‌ویژه جوانان ضرورت پیدا می‌کند (جوادی یگانه، ۱۳۷۷؛ حیدری، ۱۳۷۷).

۴. شیوه تطابق ناهمنوایانه واپس‌گرایی. واپس‌گرایی یکی از نابسامان‌ترین شیوه‌های تطابق حاصل از عدم موفقیت فرهنگ و ساختار اجتماعی در انجام دادن کارکردهای مربوط به خود است. در چنین وضعیتی واپس‌گرایان نه اهداف فرهنگی و نه راه‌های موجود نیل به آن‌ها را می‌پذیرند و نه برای آن‌ها جایگزینی دارند. بنابراین منزوی و منفعل در خدمت هر نوع حرکتی قرار می‌گیرند که علیه نظام موجود شکل می‌گیرد. کنشگران سیاسی که تحت شرایطی خاص از متن قدرت به حاشیه رانده می‌شوند و ضمن خروج از نظام سیاسی از اهداف و بازی‌های سیاسی دست می‌شویند، دانش‌آموزان یا دانشجویانی که از اهداف آموزشی و راه‌های رسیدن به آن صرف‌نظر کرده و ترک تحصیل می‌کنند، جزو مصادیق چنین وضعیتی به‌شمار می‌روند.

۵. شیوه تطابق ناهمنوایانه طغیان‌گری. طغیان‌گری یک الگوی کنش انقلابی است که در آن شورشیان ضمن عدم پذیرش اهداف و وسایل و خروج از نظام برای خود جایگزین یا آلترناتیو

دارند و آگاهانه و فعال در جهت تخریب نظام موجود و جایگزین نمودن نظام مورد توجه خود عمل می‌کنند.

مرتن ضمن ایجاد تمایز بین اختلال سازمانی^۱ و آنومی^۲، اولی را واقعیتی موقت و دومی را پدیده‌ای قاعده‌مند، دارای دژکارکرد می‌داند که به الگوهای رفتاری ناهمنوایانه منجر می‌شود. او تحت تأثیر دورکیم آنومی را در دو سطح کلان، یعنی ناهماهنگی و گسست بین فرهنگ و ساختارهای اجتماعی، و خرد، یعنی گسستن افراد از ارزش‌ها و اهداف فرهنگی یا هنجارها و وسایل نهادینه نیل به آن‌ها، مطرح می‌کند (مرتن، ۱۹۶۴: ۲۲۰). او همچنین بین ناهمنوایی^۳ و انحراف یا کژروی^۴ تمایز قایل است. بسیاری از افراد ناهمنوا، نظیر منتقدان و مصلحان فرهنگی و اجتماعی، رفتار ناهمنوایانه خود را، یعنی عدم پذیرش اهداف یا راه‌ها را از دیگران پنهان نمی‌کنند زیرا برای این امر توجیحات خاص خود را دارند. ولی افراد منحرف نظیر دزدان و مجرمان سعی دارند رفتار انحرافی خود را که معمولاً دارای قبح اجتماعی و منع قانونی است از انظار عمومی و از چشم پلیس پنهان نگهدارند. چراکه با آشکار شدن آن با طرد اجتماعی و تعقیب قانونی روبه‌رو خواهند شد. بنابراین می‌توان گفت که هر منحرفی ناهمنوا هست، ولی هر ناهمنوایی منحرف نیست. ناهمنوایی، منبع تغییرات اجتماعی است. اهداف و راه‌هایی که ناهمنویان نظیر مصلحان اجتماعی پیشنهاد می‌کنند هر چند ممکن است در بدو امر با مخالفت توده‌های مردم روبه‌رو گردد، ولی بعدها ممکن است پیشنهادهای آنان مبنای زندگی مردم قرار گیرد و عدول از آن ناهمنوایی و انحراف تلقی شود. بدین‌سان، مرتن علی‌رغم پذیرش انگارش نظم و تأکید بر شیوه تطابق همنوایانه با طرح مفاهیم اختلال سازمانی، آنومی و انواع شیوه‌های



1. disorganization
3. nonconformity

2. anomie
4. deviance

تطابق ناهمنوایانه از جمله نوآوری و شورش امکان بروز تضاد و تغییر در نظام موجود را هم به شرح زیر ممکن می‌داند:

نتایج الگوهای رفتاری همنوایانه به ایجاد وفاق و بازتولید نظم و ثبات وضعیت موجود و نتایج الگوهای رفتاری ناهمنوایانه به ایجاد تعارض و تغییر در وضعیت موجود درون گروهی و بین گروهی منجر می‌شوند.

مرتن علاوه بر طرح موضوع پیوستگی و گسست و ناهماهنگی ساختاری و کارکردی بین ساختارهای فرهنگی و اجتماعی در سطح کلان، آن را تحت عناوین تعارض بین نقشی^۱ و تعارض درون نقشی^۲ در سطح خرد هم مطرح می‌کند. او بین مفهوم نقش‌های چندگانه^۳ و مفهوم مجموعه نقش^۴ تمایز قائل است. نقش‌های چندگانه را مترادف با پایگاه‌های چندگانه^۵ می‌داند که مثلاً فرد A در میدان‌های تعاملاتی متفاوت تحت عناوین عضو شورای شهر، سرپرست خانواده، مدرس دانشگاه و... داراست. ولی مجموعه نقش به مجموعه وظایف و مسئولیت‌هایی



اطلاق می‌شود که آن فرد در یک پایگاه واحد و معین مثلاً به عنوان پزشک در قبال سایر موقعیت‌هایی پیدا می‌کند که در یک شبکه نقشی^۶ با آن‌ها در تعامل است (بیمار، پرستار و...). تعارض بین نقشی، تعارض بین نقش‌های چندگانه‌ای است که یک فرد به عنوان سرپرست خانواده، عضو شورای شهر، رئیس بیمارستان، پزشک، عضو نظام پزشکی و مدرس دانشگاه و... بر عهده دارد. ولی تعارض درون نقشی، تعارضی است که فرد در یک وضعیت واحد و معینی

1. inter role conflict

2. intra role conflict

3. multiple role

4. role set

5. multiple positions (status)

6. role net

مثلاً پزشک با انتظارات دارندگان موقعیت‌های متفاوتی نظیر مدیریت بیمارستان، بیمار، پرستار، نظام پزشکی و همراهان بیمار و سایر موقعیت‌هایی دارد که او به مقتضای پزشک بودن در شبکه نقش‌ها با آن‌ها در تعامل قرار می‌گیرد. همه این تعارض‌ها جنبه ساختاری دارند. یعنی تعارض بین افراد نیست، بلکه بین نقش‌ها یا وظایف و مسئولیت‌هایی است که افراد به مقتضای قرار گرفتن در موقعیت‌های ساختاری و در تعامل با سایر پایگاه‌ها پیدا می‌کنند. بنابراین رفع چنین تعارض‌هایی موکول به ایجاد تغییرات در نقش‌ها، موقعیت‌ها، کارکردها و ساختارهاست (مرتن، ۱۹۵۷: ۱۱۰؛ کوزورت، ۱۳۷۸: ۳۱۱-۲۶۲).

مرتن در زمینه جامعه‌شناسی علم هم سعی کرده است همانند جامعه‌شناسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی ضمن معرفی نمونه‌ای از نظریه حد متوسط، تحلیل نظری خود را نیز مطرح نماید. علم اصلی‌ترین موضوع مورد توجه مرتن و جامعه‌شناسی علم عمده‌ترین حوزه تخصصی او بوده است. علاقه مرتن به این حوزه متعاقب آشنایی و تعاملاتش با جورج سارتن، مدیر گروه تاریخ علم دانشگاه هاروارد بیشتر شد. به طوری که پایان‌نامه دکترایش را با عنوان علم، فناوری و جامعه در انگلستان سده هفدهم در همین زمینه انتخاب کرد و تا پایان عمرش به این حوزه اشتغال داشت. او ۳۷٪ از کل آثارش را در حوزه جامعه‌شناسی معرفت و علم منتشر نمود. مرتن بر مبنای دیدگاه کارکردگرای ساختاری خود علم را نهاد یا خرده‌نظامی اجتماعی می‌داند که با سایر نهادها یا خرده‌نظام‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه در تعامل است (کراترز، ۱۹۸۷: ۱۳۹-۱۲۶).

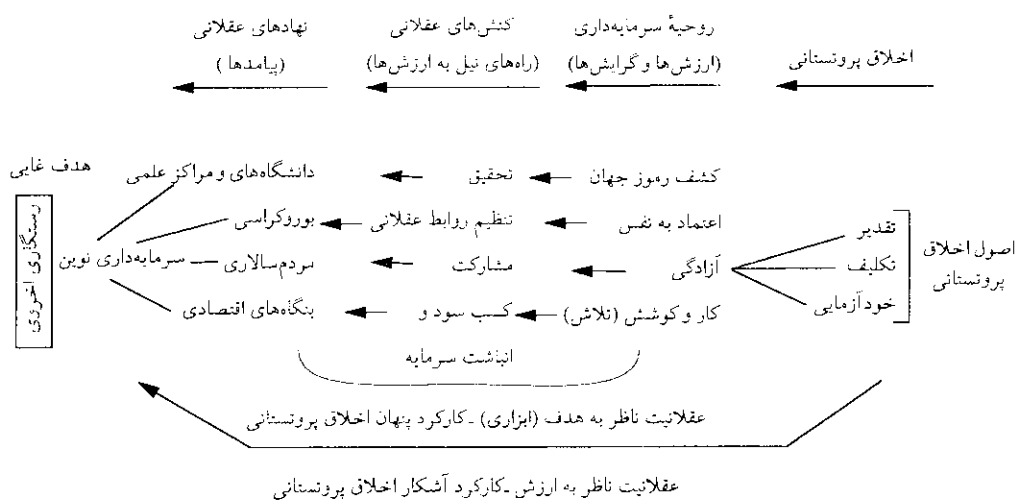
کارکرد خرده‌نظام علمی در فرایند تولید و بازسازی دانش معتبر و تدقیق مفاهیم علمی، تابعی از شرایط و عوامل درونی خود خرده‌نظام علم و شرایط و عوامل بیرونی یا محیطی، از جمله آن دسته از خرده‌نظام‌های فرهنگی و اجتماعی دیگری است که خرده‌نظام علم با آن‌ها در تعامل قرار دارد.

مرتن در بحث از شرایط و عوامل درونی خرده‌نظام علم روی مسواری چون شک‌گرایی سازمان یافته یعنی پرس و جو و حقیقت‌طلبی و به‌کارگیری روش‌های اقلیتی مبتنی بر عقل و تجربه، انسجام منطقی، روایی و پایایی، عام‌گرایی، بی‌طرفی، تواضع و بردباری و سایر تمهیداتی تأکید دارد که معمولاً در فرایند مسئله‌یابی، تنظیم مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش و تحلیل و نتیجه‌گیری از آن مورد توجه قرار می‌گیرند. علاوه بر این‌ها او موارد دیگری چون سازمان علمی، امکانات و تجهیزات لازم برای انتشار دانش تولید شده و نقد و ارزیابی اعتبار علمی و ارزش عملی آن را هم ذکر کرده است.

شرایط و عوامل بیرونی هم شامل نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و میزان پیوستگی و هماهنگی ساختاری و کارکردی آن‌ها با خرده‌نظام علم می‌شود (مرتن، ۱۹۶۷: ۶۷-۴۵۶). مرتن بر مواردی چون مشروعیت فرهنگی تولید و ترویج اندیشه علمی، احترام به

عالم، شایسته سالاری و به رسمیت شناختن حق مالکیت مادی و معنوی تولیدات علمی و تأمین امکانات اشاره می‌کند و در بین آن‌ها روی کارکرد اخلاق پروتستانی مورد توجه و بر تأکیدی خاص می‌ورزد.

و بر پیدایش و رشد اخلاق پروتستانی به ویژه کالوینیسیم را نمودی از فرایند رشد عقلانیت در جوامع غربی می‌داند، زیرا پیروان این مذهب از راه‌های عاطفی (گوشه‌گیری و گریه و زاری یا مصرف‌گرایی و عشرت‌طلبی) و سنتی (تقلید و پیروی از اصحاب کلیسا) گسستند و از طریق تفکر و تعمق درباره فلسفه خلقت برای رستگاری خود راهی عقلانی برگزیدند. پیروان اخلاق پروتستانی با تأکید بر سه اصل تقدیر، تکلیف و خودآزمایی معتقد بودند که تقدیر الهی درباره انسان هرچه که باشد، وظیفه یا تکلیف انسان ستایش او و خودآزمایی از طریق شناخت نظام‌مند، عقلانی و تجربی قانونمندی‌های این جهان و بهره‌گیری از آن در جهت آباد کردن آن، کار و کوشش و تلاش برای کسب موفقیت دنیوی به عنوان نمادی از رستگاری اخروی است. این امر زمینه را برای رواج فردگرایی، عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی پدید آورد. به طوری که تولید و ترویج دانش علمی معتبر و بهره‌گیری از آن در عمل جزو اصول اخلاقی و نوعی عبادت به شمار می‌رفت. دانشمندان سده هفدهم، که اغلب پروتستان مذهب بودند، تأسیس مراکز علمی کشف رموز جهان را قرین آشکار شدن شکوه و عظمت خداوندی و راهی به سوی ستایش او می‌دانستند (کوزورت، ۱۹۷۶: ۱۷۵). کارکرد چنین اخلاقی به بسط نهادهای عقلانی و برآیند این نهادها به پیدایش و توسعه نظام نوین سرمایه‌داری در غرب یعنی تلاش خردمندان و مستمر در جهت کسب سود و انباشت سرمایه بر طبق قواعد بازار و موازین اخلاقی به شرح زیر منجر شد (ویر، ۱۳۷۱).



هر چند مرتن با توجه به دیدگاه خود پیشرفت علم را محصول ساز و کارهای درونی و کارکرد خود خرده‌نظام علم و هماهنگی سایر عناصر فرهنگی و اجتماعی می‌داند، ولی در این‌جا تحت تأثیر دیدگاه وبر روی کارکرد پنهان مذهب پروتستانی تأکید نمود. زیرا این مذهب به عنوان یک ایدئولوژی نه فقط مانع پیشرفت علم نشد بلکه بدون دخالت در امور داخلی خرده‌نظام علم زمینه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشروع و مناسبی را برای توسعه آن پدید آورد. مرتن در تفسیر دیدگاه وبر معتقد است که سرمایه‌داری نوین کارکرد پنهان اخلاق پروتستانی است. کارکرد آشکار اخلاق پروتستانی کسب رستگاری اخروی بود. ولی راه رسیدن به آن از طریق کسب موفقیت دنیوی دنبال می‌شد. برای موفقیت دنیوی هم شناخت علمی جهان ضروری می‌نمود. بنابراین کشف رموز طبیعت نه فقط قرین آشکار شدن شکوه و عظمت خالق بلکه به کارگیری آن در جهت آباد کردن جهان و خدمت به انسان نوعی عبادت و راهی به سوی ستایش خداوند بود. به همین دلیل پیروان مذاهب پروتستان به عنوان اعضای علمی یک دانشگاه نامرئی با تأسیس و گسترش مراکز و نهادهای مولد و مروج دانش علمی نقش مهمی در توسعه علوم و فنون ایفا نمودند. به طوری که می‌توان توسعه علمی و فنی و رشد عقلانیت ابزاری را نظیر توسعه سرمایه‌داری نوین کارکرد پنهان مذهب پروتستان تلقی نمود.

نقد افکار و نظریه‌ها

در جهان امروز، مرتن یکی از بانیان و صاحب‌نظران جامعه‌شناسی به‌شمار می‌رود. او در بازننگری و بازسازی و به‌روز نمودن دیدگاه جامعه‌شناسی کارکردگرایی ساختاری و رها ساختن آن از تنگناهای بینشی و روشی و تنظیم مبانی نظری و قواعد روش‌شناسی آن کمک قابل توجهی نموده است. او با وضع و تدقیق مفاهیم و اصطلاحات نوین جامعه‌شناختی، چون کارکرد آشکار، پنهان، مثبت، منفی و جایگزین، نقد نظریه‌های کوچک و بزرگ فاقد پایه‌های نظری و تجربی و تلاش در تلفیق مبانی نظری و تجربی در قالب نظریه حد متوسط، معرفی نمونه‌هایی از آن در نزد صاحب‌نظران و سعی در ارائه نمونه‌هایی از آن در آثار خود، خدمات ارزنده‌ای انجام داده است. مرتن در تعیین روش تحلیل کارکردی و تشریح روش استفاده از آن در تحلیل پدیده‌ها و مسائل اجتماعی، پیوند جامعه‌شناسی با واقعیت‌ها و مسائل روز و پاسخ مناسب به ضرورت‌های جامعه‌شناختی زمان خود، تولید و ترویج ایده‌ها و داده‌های نوین جامعه‌شناختی، پیشبرد مرزهای دانش اجتماعی و ارتقای اعتبار علمی و ارزش عملی جامعه‌شناسی و پیوند آن با فرایند توسعه حیات اجتماعی و معرفی آن به عنوان یک رشته علمی محتوایی دارای جنبه‌های نظری و عملی قابل استفاده در توصیف و تحلیل مسائل اجتماعی و ارائه راهبردهای مناسب در جهت پیش‌گیری یا کمک به حل آن‌ها، نقش قابل توجهی

ایفا کرده است. مرتن در عرصه جامعه‌شناسی صاحب آثار عدیده‌ای است که معرف افکار و نظریه‌های او در زمینه بینش‌ها، روش‌ها و حوزه‌های تخصصی جامعه‌شناسی است. در حوزه‌های جامعه‌شناسی معرفت و علم و جامعه‌شناسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی آثار او جزو منابع اصلی به شمار می‌روند. در آثاری که امروز در زمینه نظریه‌ها، علم، مسائل اجتماعی و... منتشر می‌شود، کمتر اثری می‌توان یافت که در آن به آثار مرتن ارجاع نشده باشد. آثار او نه فقط در زادگاهش، آمریکا بلکه در سایر کشورهای جهان هم مورد استفاده قرار گرفته است. اصحاب علوم اجتماعی ایران با افکار و نظریه‌های او آشنا هستند و برخی از آثار مربوط به او نیز به فارسی ترجمه شده است. علاوه بر متون ترجمه شده به فارسی، در آثار تألیفی ایرانیان راجع به نظریه‌ها و جامعه‌شناسی علم و مسائل اجتماعی هم در ارتباط با افکار و نظریه‌های مرتن مطالبی آورده شده است. برخی از دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی جامعه‌شناسی چارچوب نظری پایان‌نامه‌های خود را بر اساس دیدگاه و نظریه‌های مرتن تنظیم کرده‌اند. در سه پایان‌نامه‌ای که مطابق دیدگاه مرتن در ارتباط با آنومی در سطح کلان و شیوه‌های تطابق افراد در جامعه ایران به راهنمایی نگارنده تدوین گردید، در مورد وجود گسست بین فرهنگ و ساختارهای اجتماعی (اهداف و وسایل نیل به آن‌ها) و عقب‌ماندگی ساختارهای اجتماعی و رواج شیوه‌های تطابق ناهمخوانانه به‌ویژه، نوآوری، واپس‌گرایی و طغیان، یافته‌های علمی جالبی به دست آمده است که معرف اعتبار علمی و ارزش عملی نظریه‌های مرتن در شرایط امروز جامعه ایران است (جوادی یگانه، ۱۳۷۷؛ تاجداری، ۱۳۷۷؛ حیدری، ۱۳۸۰).

علی‌رغم عملکرد جامعه‌شناختی قابل توجه مرتن و نکات قوت مشهود در آثارش، امروز با تغییر شرایط اجتماعی و توسعه جامعه‌شناسی نمی‌توان از نکات ضعف آثار او از جمله گرایش غالب او به جامعه‌شناسی نظم و کم‌توجهی به تضادها، تأکید در به‌کارگیری دیدگاه و روش جامعه‌شناسی کارکردگرایی ساختاری در تحلیل پدیده‌ها و مسائل اجتماعی، مغالطه بین روش‌های علی و کارکردی و کم‌توجهی به دیدگاه‌های جامعه‌شناسی خرد و روش‌های معنی‌کاوانه و نمودگرایی‌های تقلیل‌گرایانه در آثارش چشم‌پوشی نمود. هر چند مرتن در نزدیک ساختن جامعه‌شناسی نظم و دیدگاه کارکردگرایی ساختاری به جامعه‌شناسی تضاد و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی خرد تلاش‌هایی از خود نشان داده، ولی فعالیت او در این زمینه تا آن‌جا پیش نرفته است که بتوان او را جامعه‌شناس تلفیق‌گرای نظم و تضاد یا خرد و کلان معرفی نمود. البته با توجه به اصل تکثرگرایی بینشی و روشی در عرصه جامعه‌شناسی این عدم موفقیت از اعتبار علمی و ارزش عملی عملکرد جامعه‌شناختی مرتن چیزی نمی‌کاهد. به همین دلیل است که جهان امروز او را یکی از جامعه‌شناسان بزرگ می‌شناسد. بنابراین همان‌طوری که حضور مرتن

در عرصه جامعه‌شناسی مؤثر و محسوس بوده است فقدان او هم محسوس خواهد بود. از این رو جامعه‌شناسان امروز نه فقط او را فراموش نمی‌کنند بلکه یاد او را نیز گرامی می‌دارند.

منابع

- Abrahamson, Mark, 1989, *Sociological Theory*, Prentice Hall, Englewood Cliffs, New Jersey.
- Crothers, Charles, 1987, *Robert Merton*, London, Tavistack Pub.
- Cuff, E., Sharrock, 1979, *Perspectives in Sociology*, London, Routledge.
- Cuzzort, R. and Ring, 1976, *Humanity and Modern Social Thought*, The Dryden Press.
- Durkheim, E., (1951), *Suicide: A Study in Sociology*, Translated by G. Simpon, Free Press Glencoe.
- Merton, Robert, 1934, "Durkheim, Division of Labour in Society" *AJS*, 40, 319-328.
- Merton, Robert, 1936, "The Unanticipated Consequences of Purposive Social Action". *ASR* 1,894-904.
- Merton, Robert, 1938a, "Science, Technology and Society in Seventeenth Century England" in *Osiris: Study of the History and Philosophy of Science*.
- Merton, Robert, 1938b, "Social Structure and Anomie" *ASR*, 3, 672-682.
- Merton, Robert, 1938c, "Science and Social order". *Philosophy of Science*, 5, 591-603.
- Merton, Robert, 1939a, "Bureaucratic Structure and Personality" *Social Forces*, 18, 560-68.
- Merton, Robert, 1939b, "Fact and Facticiousness in Ethnic Opinionnaires". *ASR*, 5, 1328.
- Merton, Robert, 1944 "Paternal Status and the Economic Adjustment of High School Graduates" (with Bruce Ryan). *Social Forces*, 22, 302-306.
- Merton, Robert, 1945a, "Role of the Intellectual in Public Bureaucracy". *Social Forces*, 23, 405-415. 1968b, 261-278.
- Merton, Robert, 1945b, *Sociology of Knowledge*. In George Gurvitch and Wilbert E. Moore (eds). *Twentieth Century Sociology*. Philosophical Library, New York, pp. 366-405.
- Merton, Robert 1936, "Civilization and Culture". *Sociology and Social Research*, 21, 103-113.
- Merton, Robert, 1942, "A Note on Science and Democracy", *Journal of Legal and Political Sociology*, 1, 115-126. Science and the Democratic Social Structure. 1968b, 604-615; *The Normative Structure of Science*, 1973, 267-278; 1982a, 3-16.
- Merton, Robert, 1943a, "The Formation of Scales of Socioeconomic Status; A Comment" (With Genevieve Knupfer). *Rural Sociology* 8, 236-239.

- Merton, Robert, 1943b, Studies in Radio and Film Propaganda (with Paul Lazarsfeld). Transactions, *New York Academy of Sciences*, 6, 58-79. 1968b, 563-582.
- Merton, Robert, 1945c, "Sociological Theory", *American Journal of Sociology*, 50, 462-473. *The Bearing of Sociological Theory on Empirical Research*. 1968b, 139-155.
- Merton, Robert, 1947a, "The Machine, the Worker, and the Engineer", *Science*, 105, 79-81. 1968b, 616-627.
- Merton, Robert, 1947b, "Selected Problems of Field Work in the Planned Community", *American Sociological Review*, 12, 304-312.
- Merton, Robert, 1948a, "The Position of Sociology Theory", *American Sociological Review*, 13, 164-168.
- Merton, Robert, 1948b, "The Bearing of Empirical Research on the Development of Sociological Theory", *American Sociological Review*, 13, 505-515. 1968, 156-171.
- Merton, Robert, 1948c, "Discrimination and the American Creed", In R. M. MacIver (ed). *Discrimination and national Welfare*, Harper and Brothers, New York, pp. 66-126. 1973, 189-216.
- Merton, Robert, 1984d "The Self-Fulfilling Prophecy", *Antioch Review*, (Summer), 193-210. 1968b, 475-490; 1982a, 248-268.
- Merton, Robert, 1949 Manifest and Latent Functions", In *Social Theory and Social Structure*, 1968b, 73-138.
- Merton, Robert, 1950 Contributions to the Theory of Reference Group Behaviour (with Alice S. Rossi). In *Continuities in Social Research: Studies in the Scope and Method of "The American Soldier"* (edited with Paul F. Lazarsfeld). The Free Press, New York. 1968b, 279-334.
- Merton, Robert, 1963a "Sociological Ambivalence" (With Elinor Barber). In Edward A Tiryakian (ed), *Sociological Theory, Value and Sociocultural Change*. The Free Press, New York, pp. 91-120. 1976b, 3-31.
- Merton, Robert, 1936b "Basic Research and Potentials of Relevance", *American Behavioural Scientist*, 6, 86-90. 1982a, 213-223.
- Merton, Robert, 1955 "The Socio-Cultural Environment and Anomie". In H. L. Witmer and R. Kotinsky (eds.), "perspectives for Research on Juvenile Delinquency", *U. S. Government Printing Office*, Washington, D. C. pp. 24-50.
- Merton, Robert, 1957a Some Preliminaries to a Sociology of Medical Education. In Robert K. Merton, George G. Reader and Patricia L. Kendall (eds.). *The Student Physican*. Harvard University Press, Cambridge, Mass, pp. 3-79. 1982a, 135-198.
- Merton, Robert, 1957b "The Role-Set; Problems in Sociological Theory", *British Journal of Sociology*, 8, 2, 106-20.

- Merton, Robert, 1957c "Priorities in Scientific Discovery; a chapter in the Sociology of Science", *American Sociological Review*, 22(6), 635-659. 1973, 286-324.
- Merton, Robert, 1958 "Functions of The Professional Association", *American Journal of Nursing*, 58, 50-54. 1982a, 199-209.
- Merton, Robert, 1959a Notes on Problem-finding in Sociology. IN Robert K. Merton, Leonard Broom and Leonard S. Cottrell, Jr. (eds.), *Sociology Today*. Basic Books, New York, pp. ix-xxxiv. 1982a, 17-42.
- Merton, Robert, 1959b "Social Conformity, Deviation and Opportunity", *American Sociological Review*, 24, 2, 177-89.
- Merton, Robert, 1956c, "The Scholar and the Craftsman", In Marshall Clagett (ed.), *Critical Problems in the History of Science*. University of Wisconsin Press, Mandison, pp. 24-29.
- Merton, Robert, 1961 "Social Conflict in Styles of Sociological Work", *Transacitons Fourth World Congress of Sociology*, 3, 21-46. 1973, 47-69.
- Merton, Robert, 1964a "Anomic and Anomia and Social Interaction: Contexts of Deviant behaviour", In Marshall Clinard (ed), *Anomies and Deviant behaviour*. The Free Press, New York, pp. 213-242.
- Merton, Robert, 1964b "Practical Problems and the Uses of Social Science" (with Edward C. Devereux, Jr), *Transaction* 7, 18-21.
- Merton, Robert, 1965, *On the Shoulders of Giants; A Shandean Postscript*. The Free Press, New York (Vicennial edition, 1985.)
- Merton, Robert, 1967a "On the Hlistory and Systematics of Sociological Theory", In *Social Theory and Social Structure*. 1968b, 1-38.
- Merton, Robert, 1967b "on Sociological Theories of the Middle Range", In *Social Theory and Social Structure*. 1968b, 39-72.
- Merton, Robert, 1967c *On Theoretical Sociology: Five Essays, old and New*. The Free Press, New York. (incorporated in The 1968 edition of *Social Theory and social Structure*.)
- Merton, Robert, 1967d, *Social and Social Structure London*, Free Press.
- Merton, Robert, 1968 *Social Theory and Social Structure*. Fress Press, Glencoe (earlier editions 1949 and 1957).
- Merton, Robert, 1972a, "Insiders and Outsiders: A Chapter in the Sociology of Knowledge", (Revised edn.). *American Journal of Sociology* (July), 9-47. The Perspectives of Insiders and Outsiders. 1973, 99-136.
- Merton, Robert, *The Sociology of Science; Theoretical and empirical Investigations*; (edited by Norman Strorer). University of Chicago Press, Chicago.

- Merton, Robert, 1975, "Structural Analysis in Sociology", In Peter M. Blay (ed.), *Approaches to the Social Structure*. The Free Press, New York, pp. 21-25. 1967b, 109-144.
- Merton, Robert, 1976, "Social Problems and Sociological Theory", In Robert K. Merton And Robert A. Nisbet (eds.), *Contemporary Social Problems*. Harcourt Brace Jovanovich, New York (Previous editions: 1961, 1966, 1971), pp. 3-43.
- Merton, Robert, 1977, "The Sociology of Science: an episodic memoir", In the *Sociology of Science in Europe* (edited with Jerry Gaston). University of Southern Illinois Press, Carbondale. (Also issued in 1979 under the same title.)
- Merton, Robert, 1978, *Institutionalized Altruism: the Case of the Professions* (with Thomas F. Gieryn) in 1982a pp. 109-134.
- Merton, Robert, 1979a (Written by Ludwik Fleck, translated from German). *Genesis and Development of a Scientific Fact*. University of Chicago Press, Chicago.
- Merton, Robert, 1980a, "On the Oral Transmission of Knowledge", In Robert K. Merton and Matilda White Riley (eds.), *Sociological Traditions from Generation to Generation; Glimpses of the American Experience*; Albex Publishing Corp., New Jersey, pp. 1-35.
- Merton, Robert, 1980, "Remembering the Young Talcott Parsons", *The American Sociologist*, 19 (May), 68-71.
- Merton, Robert, 1980c, "Citation Classic: Social Theory and Social Structure", *Current Contents*, 21, May 26, 12.
- Merton, Robert, 1981, "Remarks on Theoretical Pluralism", In *Continuities in Structural Inquiry* (edited by Robert K. Merton and Peter M. Blau). Sage Publications, London , pp. i-vii.
- Merton, Robert, 1982a *Social Research and the Practising Professions* (edited by Aaron Rosenblatt and Thomas F. Gieryn). Abt Books, Cambridge.
- Merton, Robert, 1982b, Alvin W. Gouldner; "Genesis and Growth of a Friendship", *Theory and Society*, 11, 915-938.
- Merton, Robert, 1984a Socially Expected Durations; A Case Study of Concept Formation in Sociology. In Wallis W. Powell and Richard Robbins (eds.), *Conflict Consensus; A Festschrift for Lewis A. Coser*, Free Press, New York, pp. 262-283.
- Merton, Robert, 1984b "The Fallacy of the Latest Word: The Case of Pietism and Science", *American Journal of Sociology*, 89, 1091-1121.
- Merton, Robert, 1985 Remembering George Sarton-episodic recollections by an unruly apprentice. *ISIS*, 76, 470-486.

Pope, W., 1975, "Concepts and Explanatory Structure in Durkheim's Theory of Suicide"
B.J.S., 7, pp. 417-434.

Ritzer, George, 1992, *Sociological Theory* Mc Graw-Hill.

Swingwood, Alan, 1991, *A Short History of Sociological Thought*. London Mc Millan.

تاجداری، علی‌رضا (۱۳۷۷)، «بررسی میزان سازگاری هنجارها با اهداف ارزشی در بین سرپرستان خانواده‌های شهر اراک». پایان‌نامه، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

حیدری، شهرام (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نابهنجاری‌های فردی در بین سرپرستان خانواده‌های شهر فارسان»؛ پایان‌نامه، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

جوادی‌یگانه، محمدرضا (۱۳۷۷)، «جهت‌گیری ارزشی حاکم بر برنامه‌های اول و دوم توسعه». پایان‌نامه، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

مرتن، رابرت (۱۳۷۶)، *مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناسی*: ترجمه نوین تولایی. تهران، انتشارات امیرکبیر.

کوزر و روزنبرگ (۱۳۷۸)، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی*: ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
ویر، ماکس (۱۳۷۱)، *اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری*. ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

محمدعبداللهی عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، مدیر سابق گروه جامعه‌شناسی دانشگاه و رئیس فعلی انجمن جامعه‌شناسی ایران است.

WWW.abdolfahi.org; E-mail: Mohammad@abdolfahi.org